



## یادداشت

سرکوب های فاشیستی و تبلیغات گوبلزی دیگر کسی را نمی ترسانند!

صادق کار



حجاب اجباری مسئله‌ای نیست که کسی بتواند برای مدت زیادی آن را به زنان آزاده و مبارز ایران تحمیل نماید. در این مبارزه البته اکثریت مردم و نیروهای دمکراتیک زنان کشور را تنها نگذاشته و نخواهند گذاشت. این هم حقیقت ندارد که اکثریت زنان محجبه مخالف آزادی حجاب هستند. در گذشته که حجاب اجباری نشده بود زنان با حجاب با به اصطلاح زنان بی حجاب در کشور ما در کنار هم کار و زندگی می کردند و خصومتی بر سر پوشش میان آنان وجود نداشت. حجاب داشت بتدریج از بین می رفت و مادران بسیاری از ما حجاب داشتند ولی خواهرها نمان بی حجاب بودند.

در گزارشی خبر جان باختن یک دختر نوجوان ۱۲ ساله بر اثر ضرب و شتم ماموران مزدو و متحجر گشت



ارشاد به تصویر کشیده شده که مشاهده آن خون هر انسان متمدن و آزاده‌ای را از آن همه وحشیگری که علیه این کودک اعمال شد به جوش می‌آورد و قلبهای کسانیکه این گزارش را دیده‌اند را به درد می‌آورد. این همه وحشیگری و سنگدلی از طرف یک اقلیت بیدارگر کمتر از ۱۰ درصد از جمعیت کشور برآستی تنها با رفتار گشتاپو قابل قیاس است. صحنه‌های کم و بیش مشابه از رفتار با زنان آزاده، جسور و حق طلب و حق به جانب که بی توجه به گشت‌های ضد انسانی ارشاد به خیابان آمده، روسری از سر برداشته و مخالفت شان با حجاب اجباری و این جماعت مزدور ریاکار و شارلاتان را نشان داده و می‌دهند کم نبوده. بسیاری از مردم به رغم وارونه‌گری و سانسور شدید حقایق توسط صدا و سیما رژیم و دیگر اجزا دستگاه پروپاگاندا گویلیز آن به یوم وجود رسانه‌های اجتماعی فیلم‌هایی از رفتار گشت ارشاد با زنان و دختران را مشاهده کرده‌اند. از آن مادری که به آب و آتش زد تا مانع اسارت دختر بیمار و جوان اش شود و دختر آن پاسدار در اتوبوس که به یک زن آزاده و روشنفکر بخاطر اسلامی ندانستن روسری وی گیر داد تا خودی نشان دهد تا کشتن دلخراش کودک ۱۲ ساله را خیلی از مردم دیده‌اند و یا وصف اش را شنیده‌اند. در این بین معلوم نیست چه کسی وظیفه ارشاد نیمی از جمعیت کشور را به این سردار زاده و امثالهم سپرده‌اند که به خودشان اجازه می‌دهند این چنین بر حقوق انسانی شهروند دیگری هجوم ببرند و ساعاتی بعد هم بروند این زن آزاده را به زندان ببرند بلکه در آنجا بتوانند وی را ارشاد کنند. چند نفر در این دو سه هفته که این گشتها را با دستور رئیس جمهور ضد جمهور برای ارشاد اسلامی به جان زنان انداخته‌اند بازداشت روانه شکنجه خانه‌های فقهاتی کرده‌اند آمار کاملی در دست نیست، ولی همه می‌دانند که عده زیادی از زنان آزاده را در خیابان و حتی در خانه‌هایشان بازداشت کرده و برای ارشاد و هدایت با خود برده‌اند. اما وسعت سرکوبها محدود به یورش به زنان آزاده ای که نمی‌خواهند زیر بار افکار پوسیده قرون وسطایی روحانیون حاکم بروند و جانانه در مقابل آنها مبارزه کرده و می‌کنند نیست. بگیر و ببند های فاشیستی گروه‌های اجتماعی وسیعی را در بر می‌گیرد. طی دو سه ماه اخیر صدها نفر از مبارزان سیاسی، کارگر، معلم، نویسنده، فعال مدافع محیط زیست، روزنامه نگار، کارگردان و هنرمند سینما، دکاندار، کشاورز، دامدار، کامیوندار، معترض به سیاستها و رفتار صاحبان قدرت بازداشت کرده‌اند. زندانی کردن مادران تعدادی از جان باختگان خیزشهای مردمی دی و آبان نمونه دیگری از این دست هستند.

یعنی در واقع رژیم با همه گروه‌های اجتماعی خود را درگیر نموده است. سبب و علت اش هم روشن است رژیم فقط در کشاندن مردم پای صندوق‌های رای گیری شکست نخورده است، در هم جا شکست خورده است. مهمتر از همه کنترل خیابان و مردم را از دست داده است. امروزه دیگر تنها نخبگان سیاسی و روشنفکران و فعالان اجتماعی نیستند که رژیم روزگاری عمدتاً با آنان طرف بود و می‌توانست آنها را به بند بکشد و به قتل برساند و سر به نیست شان بکند. با توده مردم از هر گروه و تفکر اجتماعی و سیاسی مواجه است. همه این‌ها را نه هیچ رژیمی می‌تواند به زندان بیندازد و نه وادار به تسلیم و تمکین نماید. کنش‌ها و واکنشهایی که در همین چند هفته گشت ارشاد انجام گرفت نشان داد تا چه اندازه و با چه سرعتی افکار عمومی علیه رژیم عمل کرده است و ریزش در ته مانده پایگاه اجتماعی رژیم با چه سرعتی در جریان است. برای نمونه میتوان به مخالفت علنی عده‌ای از زنان محجبه با حجاب اجباری و گشت ارشاد مخالفت، برخی از آیت اله، حجت الاسلام‌ها و آخوندهای حکومتی اشاره داشت که علناً به شکل‌های مختلف از آن فاصله گرفتند. خیلی از رسانه‌ها تا حدی که سانسور امکان می‌داد با این حرکت به زبانها و دلایل مختلف مخالفت کردند. رژیم در برخورد با همه این معضلات با سرکوب و زورگویی و دادن وعده بهشت در آخرت و فحش و ناسزا گویی رفتار کرد. سرکوب‌خشن و وحشیانه چند روز پیش جانبازان دوران جنگ که آنان نیز جز قربانیان سیاستهای اقتصادی رژیم محسوب می‌شوند قرینه دیگر است از ریزش پایگاه اجتماعی رژیم. چندی پیشتر برخورد خشن تری با گروه خیریه امام علی شد که علت اصلی سرکوب این



گروه جدا کردن حساب خود از رژیم و بقول یکی از آنان رفتار مستکبرانه حکومت با مردم بود. رژیم بی پایگاه شده است. با این اوصاف اما رسانه های همچون کیهان همشهری، جوان و تسنیم و غیره که توسط جریان حاکم و با بودجه کشور اداره و منتشر می شوند، مدعی می شوند که رژیم و سیاست های آن از جمله اجباری بودن حجاب و سرکوب از حمایت اکثریت مردم برخوردار است و مردم حق ندارند با هیچ یک از اعمال رژیم اعتراض کنند و بعضا مبارزه با حجاب اجباری را کار خارجی ها اعلام می کنند. واضح است که مواضع این رسانه ها و تبلیغات گویبلیز شان به شوراندن مردم علیه رژیم کمک می کند. از هم اکنون پیداست که زنان آزاده و شجاع با مقاومت و مبارزه سلحشورانه و مترقی خود علیه حجاب اجباری توانستند فضای جامعه را در اختیار بگیرند، مردم زیادی را با خود همراه کنند و در همین چند هفته پیشرفت زیادی به دست آورند. بازنده این نبرد اما نیروهای حکومتی هستند که با وجود در اختیار داشتن دادن امکانات متعدد مالی، امنیتی و تبلیغاتی و زدن انواع اتهامات سخیف و مستهجن به مخالفان حجاب اجباری نتوانستند امیال ارتجاعی خود را پیش ببرند

حجاب اجباری مسئله ای نیست که کسی بتواند برای مدت زیادی آن را به زنان آزاده و مبارز ایران تحمیل نمایند. در این مبارزه البته اکثریت مردم و نیروهای دمکراتیک زنان کشور را تنها نگذاشته و نخواهند گذاشت. این هم حقیقت ندارد که اکثریت زنان محجبه مخالف آزادی حجاب هستند. در گذشته که حجاب اجباری نشده بود زنان با حجاب با به اصطلاح زنان بی حجاب در کشور ما در کنار هم کار و زندگی می کردند و خصومتی بر سر پوشش میان آنان وجود نداشت. حجاب داشت بتدریج از بین می رفت و مادران بسیاری از ما حجاب داشتند ولی خواهرها نمان بی حجاب بودند. این اختلافات کاذب را کسانی که بقای خود را در تفرقه مردم می جویند راه می اندازند و اکثرشان هدف های دیگری از آنچه را می گویند دنبال می کنند. حجاب فقط بخاطر به خاطر پوشش نیست که مطرح می شود در عین حال یک ابزار اعمال تبعیض علیه زنان در زمینه های مختلف هم هست. با گسترش سواد و علم این مسائل هم با مبارزه حل خواهند شد. اگر نگوئیم عمر حجاب ولی قطعا می توان گفت حجاب اجباری در حال امام است. کسانی که به هر دلیل از حجاب اجباری دفاع می کنند، مخالف آزادی و برابری همه انسانها هستند.

**از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهای مستقل حمایت کنیم!**

**موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!**

**قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!**



آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش سوم  
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهائی"

هیو استورجس



دلی نو، ۲۰۱۹: برایت جوانان تحصیل کرده بیکار شدن از یک بوم اشتغال

## 1. تضمین اشتغال در ظرف تاریخی آن

طرفداران تضمین اشتغال آن را به عنوان یک بدیل عملی و موفق تاریخی در برابر پارادایم سیاستی جاری برای مقابله با بیکاری، و بازگشتی به پارادایم "عصر کینزی" توصیف کرده اند. این در حالی است که چندین طرح تاریخی و معاصر دیگر نیز وجود داشته و دارند، شبیه "تضمین اشتغال"، اما هیچ یک از آنها به لحاظ بلندپروازی در اهداف، پیچیدگی اجرائی و جامعیت شان به "تضمین اشتغال" نزدیک نشده اند. کار تحقیقی در میان طرفداران "تضمین اشتغال" اساساً بر طراحی آن و ارائه مدل‌های ایده‌آلی از تأثیرات آن بر اقتصاد کلان متمرکز شده است، در حالی که منتقدان بر جنبه‌های منفی بالقوه آن بر اقتصاد کلان، و اقتصاد سیاسی انواع مشاغل مکتب کرده اند، که "تضمین اشتغال" می تواند عرضه کند. هدف فصل حاضر تشریح زمینه‌های اقتصادی و فکری ظهور "تضمین اشتغال"، ارائه خلاصه ای از استدلال‌های طرفداران آن و معرفی برخی از انتقادات رایج به آن است.

## اشتغال کامل یا اشتغال پذیری کامل

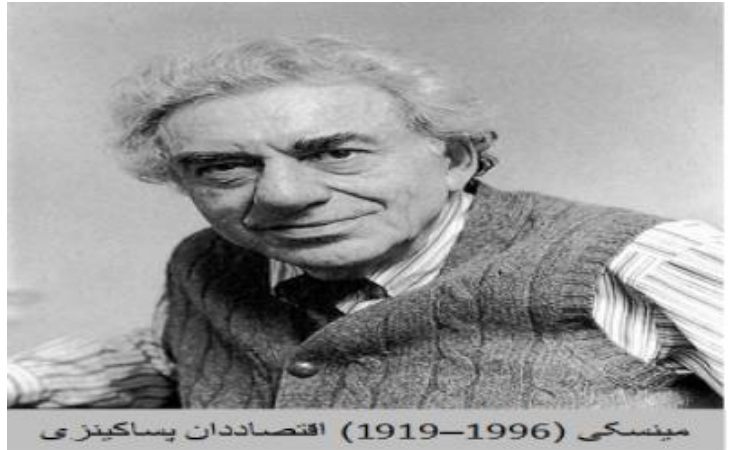
رویکردهای سیاستی به مسئله بیکاری در دوران پس از جنگ را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. رویکرد اول "اشتغال کامل" یا رویکرد کینزی بود که اشتغال را یک حق انسانی می دانست و دولت را موظف



و ملزم به تأمین آن. بسیاری از اسناد بنیادی در بارهٔ انتظام اجتماعی و سیاسی دوران پس از جنگ بیانگر این دیدگاه است. برای مثال، اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد شامل "حق کار" است. به Beveridge واقع هم انتظار می رفت که دولت نقش مستقیمی در ایجاد اشتغال کامل داشته باشد. بوریج (صریحاً اعلام می کرد که "مسئولیت نهایی برای تضمین اشتغال کامل باید بر عهده دولت باشد". همچنین کتاب سفید 1945 استرالیا در مورد اشتغال کامل در این کشور، این سیاست را به عنوان "هدف اساسی" و "مسئولیت" کشورهای مشترک المنافع اعلام کرد، در حالی که قانون استخدام در ایالات متحده (1946) به دولت دستور داد که در پی "حداکثر اشتغال" باشد. رویکرد مذکور بر مفاهیم کینزی متکی بود و غالباً بین وجود بیکاری و لزوم انجام کار مفید اجتماعی ارتباط برقرار می کرد. مثلاً همان کتاب سفید 1945 از این که در طول رکود بزرگ، درصد زیادی از نیروی کار عاطل مانده بود، در حالی که "نیاز بسیاری به خانه، غذا، تجهیزات و انواع کالاهای دیگر وجود داشت" زبان به شکایت گشوده بود. این رویکرد، بیکاری را یک مشکل اقتصاد کلان در سمت تقاضا، و یک مسئولیت اجتماعی تلقی می کرد و نه یک مشکل فردی. در سی سالهٔ اول پس از پایان جنگ جهانی دوم، دوره ای که با نرخ بسیار پایین بیکاری در کشورهای صنعتی مشخص می شود، همانا این رویکرد در سیاست عمومی طنین انداز بود.

رویکرد دوم تدریجاً پس از سال 1975 اتخاذ شد و می توان آن را "اشتغال پذیری کامل" (در برابر اشتغال کامل) یا رویکرد نئولیبرال توصیف کرد. بر اساس نظریه‌های اقتصادی پول‌گرایی و کلاسیک جدید، این رویکرد بیکاری را یک مشکل اقتصاد خرد در طرف عرضه تلقی می کند و مسئولیت دولت را فراهم آوردن شرایطی - چون سطح مالیاتها، پرداختهای دولتی، تورم، مقررات و غیره - می داند که در آن افراد برای به دست آوردن شغل فرصت می یابند. طرفداران این رویکرد غالباً بر جریمه، آموزش، یارانه و ارائه خدماتی تمرکز دارند که برای جذابتر کردن اشتغال (به ویژه نزد مادران مجرد) طراحی شده اند. در این رویکرد دولت دست به اقدام فعال برای ایجاد شغل نمی زند، اما به اقتصاد کلان ثبات، و به اقتصاد خرد انعطاف می بخشد، و انگیزه های کافی را برای بیکاران برای ورود به بازار کار فراهم می کند. این رویکرد تا امروز مسلط باقی مانده، و در اکثر اقتصادهای پیشرفته، با بیکاری قابل توجهی بالاتر از دورهٔ قبلی همراه است؛ البته افزایش بیکاری در دورهٔ مورد بحث مقدم بر پذیرش پارادایم "اشتغال پذیری کامل" بوده است.

طرفداران "تضمین اشتغال" غالباً پارادایم "اشتغال کامل" را به نفع دیدگاه خودشان در برابر "اشتغال پذیری کامل" قرار می دهند. مباحثهٔ بین این دو غالباً با عبارات تند و منسوخ صورت می گیرد. میچل و واتس به صراحت اعلام کردند که "ما در دهه 1980، از زندگی در جامعه و جماعات به زندگی در اقتصاد آغاز کردیم". تمایل به "بازگشت" به سیاست دوران کینزی در بسیاری از نوشته‌های حامی "تضمین اشتغال" وجود دارد. در واقع "تضمین اشتغال" در مواجهه با پارادایم اشتغال "نئولیبرال" ظهور کرد. در حالی که اواخر دهه 1990 دوره ای با بیکاری نسبتاً کم در ایالات متحده بود، حامیان استرالیایی "تضمین اشتغال" از بیکاری با نرخ دائماً بالا علی‌رغم رشد اقتصادی قوی می نوشتند. آنان بر این اساس به وضوح به این نتیجه رسیدند آن دسته از کشورهای دهه 1970 با بیکاری بالا مقابله کرده بودند، بعداً از اقتصادی برخوردار شدند که "به‌عنوان کارفرمای ملجاء نهائی عمل می کرد". ترجیح پارادایم "اشتغال کامل" نسبت به "اشتغال پذیری کامل" را (از Mosler می توان در مباحثات مشابه حول مضرات بیکاری نیز سراغ گرفت. مثلاً میچل و موسلر) طرفداران "اشتغال کامل"، متذکر می شوند که علی‌رغم وجود بیکاری، "مشاغل مطلوب بسیاری، با کاربری بالا، خالی می مانند".



مینسکی (1919-1996) اقتصاددان پساکینزی

## برنامه ها و پیشنهادهای تاریخی برای تضمین اشتغال

بر این نظر است که ایده دولت به عنوان ملجاء نهائی را می توان تا نوشته های ویلیام (Kabout) کابوت پتی در سال 1662 ردیابی کرد. او به نوشته ای از پتی استناد می کند که در آن توصیه کرده است بیکاران برای ایجاد زیرساختهای عمومی استخدام شوند. در تاریخ معاصرتر، در جریان رکود بزرگ، و به عنوان جزئی نیز، چندین برنامه برای استخدام کارگران بیکار ابتکار شدند؛ از جمله (New Deal) از برنامه "معامله جدید مدیریت توسعه کار، سپاه حفاظت شهروندی و مدیریت ملی امور جوانان. البته هیچ یک از این برنامه ها حاوی کلیه الزامات یک برنامه "تضمین اشتغال" نبود (مثلاً برخورداری از آنها همگانی نبود، دستمزد پرداختی دستمزد حداقل نبود، ...) اما این برنامه ها نزدیک ترین معادل تحقق یافته برای "تضمین اشتغال" در یک کشور توسعه یافته بودند که اشتغال میلیونها کارگر را برای مدتی در فعالیتهائی چون احیای خاک و در ارزیابی از این برنامه ها تصریح (Tymoigne) جنگلها، و دیگر ابتکارهای عمومی ممکن ساختند. تیموانه می کند که "این برنامه ها از برنامه های مدرسانی گذشته متمایز بودند، زیرا با متقاضیان نه به عنوان تهیدستان، بلکه به عنوان کارگرانی که در جستجوی شغل مناسب اند، رفتار می کردند

امروزه برنامه هایی را که شباهت بیشتری به مدل "تضمین اشتغال" داشته باشد، باید در کشورهای در آرژانتین، که در پاسخ به رکود اقتصادی (Jefes y Jefas) "حال توسعه سراغ گرفت: برنامه "نان آور خانواده بزرگ در سالهای نخست قرن جاری به اجرا درآمد. این برنامه از هر خانوار بیکار دارای فرزند یک نفر را به استخدام می گیرد تا در خدمات اجتماعی یا فعالیت های ساختمانی در مقیاس کوچک شرکت کند. هزینه برنامه نان آور خانواده در اوج خود در سال 2002، تقریباً معادل 1٪ از تولید ناخالص داخلی بود و نزدیک به 2 میلیون کارگر را پوشش می داد. نمونه دیگر برنامه کار عمومی گسترده در آفریقای جنوبی است. این برنامه بیکاران را حداکثر به مدت 24 ماه در یک دوره پنج ساله در پروژه های زیرساختهای عمومی و ارائه خدمات عمومی استخدام می کند. بودجه این برنامه از خدمات مشاغل ارائه شده (200000 شغل در سال) و حدود 0.5 درصد از تولید ناخالص داخلی تأمین می شود. برنامه دیگر برنامه ملی برای تضمین اشتغال روستایی در هند است. این برنامه صد روز کار را به کارگران روستایی بیکار با حداقل دستمزد به عنوان یک حق قانونی عرضه می کند و واجد بسیاری از ویژگیهای "تضمین اشتغال" است؛ به این اعتبار که مشارکت در بازار کار با یک حق می داند و نه یک تعهد، سیستمی تقاضامحور است و مشاغل مورد نظر آن حاوی کار مفید اجتماعی اند، مانند کار در زیرساختهای عمومی

برنامه های مشابه با "تضمین اشتغال" در فصل بعدی این نوشته با جزئیات بیشتری بررسی خواهند شد.



زمانی هری هایپکینز، مدیر برنامه های کاری معامله جدید (نیو دیل)، پیشنهاد کرد که تضمین اشتغال دائمی به عنوان بدیلی برای بیمه بیکاری، بخشی از [برنامه] دولت رفاه آمریکا باشد. البته این پیشنهاد به دلیل مخالفت های سیاسی هرگز اجرائی نشد. بحث جاری در عرصه عمومی پیرامون فقرزدائی، در زمان دولت لیندون جانسون، بحث در مورد دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهائی" بود و مارتین لوتر کینگ "منشور حقوق اقتصادی" را تأیید کرد که "تضمین کننده شغل برای همه کسانی است که می خواهند و می توانند کار کنند. این مباحث و مواضع منجر به ارائه لایحه قانونی فرصت های برابر و استخدام کامل در سال 1974 شدند، که در صورت تصویب، حقی قانونی و لازم الاجرا برای اشتغال ایجاد می کرد و از عنوان تضمین اشتغال برای توصیف خود استفاده می کرد. برنامه دیگری که از آن نیز به عنوان یک برنامه تضمین اشتغال نام برده می شود، برنامه ای بود که در یک پروژه نمایشی در اواخر دهه 1970 برای اشتغال نوجوانان ترک تحصیل کرده منظور شده بود. این برنامه می بایست مشاغلی را هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی متکی بر پارانه برای نوجوانان مورد نظر تأمین کند. در دوره مورد بحث مواضع سیاسی غالب، مخالف اولویت دادن به اشتغال کامل بر ثبات قیمت ها بودند، اما در اواخر سال 1978، کنگره آمریکا لایحه اشتغال کامل و رشد متوازن را مورد بحث قرار داد و تصویب کرد. این قانون دولت آمریکا را برای دستیابی به اشتغال کامل (با بیکاری زیر 3٪ درصد) از طریق "بودجه عمومی موظف می کر. با این حال هاوکینز، یکی از نویسندگان این لایحه، از این که دستورالعمل های آن فقط ظرف یک سال پس از تصویب، نقض شدند، عمیقاً اظهار تأسف کرد.

پیرسون و مینسکی دو پیشاهنگ بلامنازع تضمین اشتغال در عرصه نظری محسوب می شوند. پیشنهاد پیرسون زیر عنوان "بیمه عملکرد اقتصادی" سطوح معینی از اشتغال و تأمین هزینه های مصرف کننده را با ایجاد شغل از طریق یک "انبار ذخیره" دائمی از خدمات و کارهای عمومی، و اعمال سیاست های سنتی تری چون تزریق سرمایه "تضمین" می کر. انبار ذخیره مورد نظر شامل کارهای عمومی و خدماتی با "ارزش ذاتی" می شود و مشابه سایر پیشنهادهایی که متعاقباً برای "تضمین اشتغال" ارائه شدند، می تواند به سرعت گشوده یا بسته شود. پیرسون استدلال می کرد که بیمه کارکرد اقتصادی، سوای بیکاری ناگزیر کارگرانی که از شغلی به شغل دیگر جابجا می شوند (اصطلاحاً "اصطکاک ناگزیر" نامیده می شود)، اشتغال کامل را در عین ثبات قیمت ها میسازد، زیرا سطوح مورد نظر برای مشاغل و دستمزدهای پرداختی می توانند حدود فوقانی و تحتانی داشته باشند. این کیفیت مشوق اقدام سریع دولت برای مهار تقاضای مازاد و ایجاد تعادل در انتظارات خواهد بود. مینسکی ایجاد یک "تقاضا یا بازار کار بینهایت منعطف" را برای نیروی کار پیشنهاد می کرد؛ بازاری که "به انتظار سود در بلندمدت و کوتاه مدت وابسته نیست" و جزئی از یک برنامه اقتصادی برای تثبیت نوسانات بازار کار است. مینسکی احیای برنامه های استخدامی بزرگ دولتی، همچون معامله جدید نیودیل، را برای استخدام مجموعاً 9 میلیون کارگر توصیه کرد، اما او تصریحی بر استخدام همه کارگران بیکار نداشت.

با وجود تمایزات این پیشنهادها با برنامه های "تضمین اشتغال"، این برنامه ها آشکارا وامدار بزرگ پیرسون و مینسکی اند، به نحوی که این دو را می توان به عنوان مبتکران "تضمین اشتغال" به شمار آورد.

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!**



(تشکل‌های رسمی) چماق سرکوب کارفرما و حکومت هستند!

صادق



کارگران فولاد اهواز طی دو هفته اخیر چندین اعتراض دسته جمعی مقابل استانداری و دفتر نماینده اهواز در مجلس برگزار کرده‌اند. علت این اعتراضات بطوری که از طرف کارگران اعلام شده است بخاطر انجام چند خواسته کارگران است. این خواسته‌ها عبارتند از، راه اندازی خطوط تولید، باز گرداندن کارت تردد کارگران، پرداخت حق بدی آب و هوا و اجرای طبقه بندی مشاغل ذکر شده. واکنش مدیریت شرکت نسبت به خواسته‌ها و اعتراض کارگرانی که خواستار افزایش دستمزد، پرداخت مزایای قطع شده، قطع حقوق اضافه کاری و نداشتن امنیت شغلی، تعطیلی برخی از خطوط تولید ... هستند، جلوگیری از ورود عده‌ای از کارگران به شرکت، تهدید به اخراج و فشارهای دیگری از این دست بوده است. کارگران در اعتراض به این اقدامات مدیریت در ۴ مرداد در مقابل استانداری خوزستان و مقابل دفتر نماینده اهواز در مجلس تجمع کردند. در تجمع چهارم مرداد کارگران ناراضی و خشمگین از رفتار مدیریت شعارهای علیه مدیریت و نماینده اهواز که کارگران وی را در این خصوص سهیم می‌دانند دادند و خواستار پایان دادن به اقدامات ضد کارگری و عملی کردن خواسته‌های خود شدند.

مدیریت شرکت و رئیس اداره کار خوزستان در دو واکنش جداگانه بدون اظهار نظر در مورد مجموعه خواسته‌های کارگران از آنان خواستند برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که تنها یکی از مطالبات کارگران است شورای اسلامی کار تشکیل دهند. این درخواست یا در واقع فرمان در حالی از طرف نماینده دولت و کار فرمای فولاد ارائه شده که تلاش آنان برای تشکیل شورای اسلامی به دلیل عدم استقبال کارگران قبلا در دو نوبت بی نتیجه مانده است.

کارگران در عوض در کانال تلگرامی خود شوراها را جاسوس و عامل حکومت و کارفرما و خائن به حقوق کار خوانده و گفته‌اند خواست و قصد شان ایجاد تشکل مستقل کارگری است.

از نظر کارگران تلاش برای تشکیل شورای اسلامی همچنین ترفندی است از طرف مدیریت و اداره کار خوزستان، برای ایجاد تفرقه میان کارگران و تن ندادن به خواسته‌های کارگران. چرا که عده‌ای از کارگران





تنها به امید رفع بهانه مدیریت برای امتناع از اجرای طبقه بندی حاضرند تشکیل شورای اسلامی را موقتاً بپذیرند، بلکه طبقه بندی اجرا شود و دستمزد و مزایای شان از این بابت بهبود پیدا کند. در این صورت ولو بطور موقت هم که شده بین کارگران اختلاف ایجاد خواهد شد و امکان رسیدن کارگران مبتلا به تفرقه تقریباً به حد صفر خواهد رسید و امکان اجرای طبقه بندی نیز از بین خواهد رفت تا چه برسد به سایر مطالبات. مسلم بدانیم آن چیزی را که مدیریت و دولت با وجود همبستگی و اتحاد مثال زدنی کارگران مبارز و حق طلب فولاد حاضر به دادن آن نیستند، به وقت تفرقه غیر ممکن است آن را به کارگر بدهند.

این ترفند شورای اسلامی انتخاب کنید تا حق تان را بدهیم، البته تا کنون در چند واحد تولیدی از جمله در مجتمع هفت تپه با دخالت اداره کار و مسئولین دولتی و و امنیتی عملی شده اما بعد از تشکیل شورای مطلوب نظر مسئولین هیچ کدام از وعده‌هایی که عملی کردن شان منوط به تشکیل شورای اسلامی بود عملی نشدند و دروغ بودن و شکست فاحش آن برای کارگران ثابت شده است. عجیب نیست که در اوج اعتراضات متحدانه کارگران در فولاد پس از بی نتیجه ماندن انواع فشارها و تهدیدها برای بر هم زدن اتحاد و همبستگی کارگران با علم کردن شورای اسلامی قصد دارند در میان کارگران که بخاطر همبستگی، اتحاد و مبارزات شان نمونه محسوب می شوند تفرقه ایجاد کنند تا بتوانند مطالبات کارگران را بی پاسخ بگذارند. طبقه بندی مشاغل را می توان با تشکیل کمیته ویژه بدون شورای اسلامی هم پیشبرد. وجود و دخالت شورای اسلامی اتفاقاً برای این است که طرح باب نظر کارفرما و دولت به کارگران حقه نشود. یعنی زمانی که نمی توانند بواسطه اتحاد و همبستگی کارگران یک واحد تولیدی و غیره حول یک خواسته معین از انجام آن امتناع بورزند تلاش می کنند کالیکاتوری از آن را اجرا کنند. در سال گذشته هنگام اجرای طرح طبقه بندی در شرکتهای پیمانکاری فعال در صنعت نفت و پتروشیمی این قضیه تجربه شد. امسال اما همان کارگران فهمیده‌اند سران کلاه گذاشته‌اند و حالا برای اجرای طبقه بندی صحیح کارزار به راه انداخته اند.

در شرکت اتوبوسرانی رانندگان و کارگران به خوبی نقش منفی و مخرب شورای اسلامی بفرموده توسط مقامات حکومتی علیه خود و حقوق شان را به خوبی تجربه کرده‌اند و با تشکیل سندیکا اعتراض و مخالفت خود را با شورای اسلامی عیان کرده‌اند.

شوراهای اسلامی در واقع وسیله تفرقه و چماق سرکوب کارفرمایان و حکومت در واحدهای تولیدی و خدماتی بوده و هستند و روز به روز با دست زد کارگران به سینه شان نقش مخربتری در سرکوب جنبش کارگری به عهده می گیرند. این واقعیت را کارگران در تجربه چند ده ساله فعالیت شوراهای اسلامی در یافته‌اند. توصیه کارفرمایان و رئیس اداره کار خوزستان به تشکیل شورای اسلامی در کارخانه فولاد دقیقاً ناشی از نقش همین تشکلهای به اصطلاح رسمی و برای سرکوب کارگران حق طلب فولاد و از بین بردن حقوق آنان است و گر نه اجرای طبقه بندی نیازی به شورای اسلامی ندارد. وانگهی اداره کار خوزستان که تظاهر به دفاع از حق تشکل می کند چرا، بجای کارگران می خواهد برای آنها تصمیم بگیرد و بجای آزاد گذاشتن کارگران و احترام به حق انتخاب آنان از میان همه نوع تشکل به کارگران امر می کند. شورای اسلامی تشکیل دهند تا رخست اجرای طبقه بندی به آنان داده شود.

**از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**

**دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

### جنگ کارگری



اعتراض کارگران و کارکنان شرکت برق منطقه‌ای خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد

کارگران و کارکنان شرکت برق این دو استان در ۳ مرداد در تجمع اعتراضی بزرگی که در اهواز مرکز استان خوزستان بر پا داشتند، خواهان افزایش دستمزد مطابق تورم سال ۹۶ تا کنون شدند. پرداخت حق بدی آب و هوا، لحاظ نمودن تمام آیتم های مزدی، در لیست بیمه، افزایش رفاهیات به ۶۵ درصد مطابق کارکنان توانیر، اختصاص بودجه به برق منطقه ی خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد شدند

اعتراض کارگران دستور کاری تاسیسات نفت و گاز کارون

به گزارش کانال تلگرامی کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، کارگران دستور کاری تاسیسات نفت و گاز کارون به همراه نگهبانان چاه های غیزانیه طی اعتراضی که در ۳ مرداد برگزار کردند، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. کارگران مذکور که با قرارداد روز مزدی کار می کنند و از حقوق قانون کار محروم هستند و حقوق شان نصف کارگران پیمانکاری است، خواهان ثبت قرارداد هایشان در سامانه اطلاعات پیمانکاری نیروی انسانی نفت هستند

اعتراض کارگران شهرداری نیشابور

کارگران خدماتی شاغل در بخش فضای سبز شهرداری نیشابور طی تجمعی که ۴ مرداد مقابل شهرداری این شهر برپا کردند، خواستار پرداخت حق بیمه هایشان و همچنین تبدیل وضعیت استخدامی خود شدند. کارگران معترض همچنین نسبت به وضعیت نا مشخص بیمه تکمیلی و پرداخت نشدن حق بیمه کامل مزد به تامین اجتماعی معترض و خواهان بر طرف کردن مشکلات خود شدند

تداوم اعتراضات کارگران تولی پرس



کارگران تولی پرس از شرکتهای وابسته به هلدینگ داروگر برای چندمین بار در سوم مرداد دوباره در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود که از اسفند سال گذشته تا کنون پرداخت نشده و همچنین اعتراض به پرداخت حقوق بیکاری به جای مزد تجمع و خواستار طلب مزدی و پرداخت مزد بجای حقوق اندک بیکاری شدند.

کارزار کارگران سکوهای نفتی برای اجرای طبقه بندی مشاغل

کارگران سکوهای نفتی با راه اندازی کارزاری خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل در منطقه پارس جنوبی شدند. کارگران نسبت به اجرای ناقص و سرهم بندی طبقه بندی مشاغل در شرکتهای پیمانکاری واقع در پارس جنوبی اعتراض دارند زیرا انتظارات آنان را به صورتی که اجرا شده بر نیاورده است. کارگران می گویند اجرای طبقه بندی کمکی به افزایش دستمزد و معیشت شان ننموده است و حقوق که به آنان می دهند کفاف زندگی شان را نمی دهد. آنها خواستار اجرای صحیح طرح طبقه بندی به نحوی هستند که به بهبود دستمزد و معیشت شان کمک کند. مشکل اصلی کارگران منطقه پارس جنوبی نداشتن تشکل مستقل است. بهمین جهت به رغم موقعیت خاص و ویژه شغلی شان بخاطر فقدان تشکل مبارزات شان بی نتیجه می ماند. بهر صورت با کارزار و بدون تشکل مستقل به نظر نمی رسد کارفرمایان تن به مطالبات کارگران بدهند.

رئیس جمهور آمد وعده رسیدگی داد و رفت که رفت

کارگران کارخانه رنگ وزین پامچال در ۲ مرداد نسبت به بلاتکلیفی وضعی خود و پرداخت نشدن ۸ ماه دستمزد اعتراض و خواهان رسیدگی مسئولین به وضعیت بی سامان خود شدند. کارگران می گویند ۸ ماه است حقوقی دریافت نکرده ایم و ۱۰ ماه است که حق بیمه مان رد نشده است. مراجعه آنان به مسئولین حتی به رئیس جمهور به جایی نرسیده است. رئیسی در سفری که به قزوین داشته به یکی از کارگران که برای کمک نزد وی رفته بود، وعده رسیدگی داده بود اما هنوز با وجود گذشت چند ماه از رسیدگی خبری نشده. به رسم معمول وی که هر جا می رود فقط وعده می دهد در قزوین هم وعدههایی داده و رفته و پشت سرش را هم نگاه نکرده است. حالا ۳۱ کارگر بی مزد و حقوق و بیمه مانده اند که چگونه امورات اولیه زندگی شان را بگذرانند.

تجمع اعتراضی دوباره انترن ها بخاطر نگرفتن حقوق

انترن های دانشگاه علوم پزشکی در دانشگاه بهشتی در ۳ مرداد دوباره با شرکت در یک تجمع اعتراضی خواستار پرداخت مطالبات پرداخت نشده خود، تصویب آئین نامه شرح وظایف انترن ها و پاسخگویی مسئولین مربوطه شدند. گفتنی است که انترن های دانشگاه پزشکی به تازگی اعتصاب ۹ روزه ای داشته اند که ظاهراً با قول مساعد مسئولین برای رسیدگی پایان یافته بود. گویا اعتراض تازه آنان به اجرا نکردن وعده های داده شده بوده است.

کارگران کارخانه مادیران خواهان افزایش دستمزد خود شدند

کارگران صنایع الکترونیک مادیران در تجمعی که در ۳ مرداد برگزار کردند ضمن اعتراض به شرایط سخت کاری خود خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران این کارخانه جز هلدینگ شرکت صنایع ماشین های اداری است و در ساوجبلاغ قرار دارد.

جان باختن سه کارگر مقنی در یک روز در سه مکان جداگانه

یک کارگر در پنجم مرداد در اثر سقوط به یک چاه ۷۰ متری در اصفهان، یکی در برازجان و سومی در همدان جان باختند.

جان باختن یک کارگر نفت در اثر گرما



به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در ۶ مرداد یکی از کارگران پیمانی نفت به نام عبدالرزاق سیمریان بر اثر شدت گرما و کار در محیط با رطوبت بالای ۹۰ جان باخت. عبدالرزاق که به صورت پیمانی برای شرکت سکاف کار می کرد در قسمت طرح توسعه فاز ۲ پالایشگاه آبادان کار می کرد به دلیل فشار کاری زیاد توسط کارفرما و عدم تعطیل کردن کار در گرمای طاقت فرسا بر اثر تشنج و ایست قلبی جان اش را از دست داد.

گفتنی است که تعداد قربانیان حوادث کار روز به روز در حال فزونی است با این حال دستگاه های مسئول ذرابط سالهاست که نتوانسته اند مانع افزایش مداوم قربانیان بشوند. علت اکثر این حوادث نیز بطوری که در گزارشات هم آمده در اثر رعایت نکردن اصول ایمنی و بخاطر سود بیشتر از طریق صرفه جویی و همچنین نبود نظارت تشکلهای کارگری و کمبود بازرسی بوده است.

فشارها و اعتراضات باعث دادن ملاقات به شماری از خانواده زندانیان سندیکایی شد.

در این هفته نیز در اثر اعتراضات و فشارهای داخلی و بین المللی سازمانهای سندیکایی بین المللی و پیگیریهای مستمر خانوادهها زندانیان رژیم مجبور به یک عقب نشینی ناخواسته شد و به چند تن از خانواده های فعالان سندیکایی اجازه داد با همسران در بندشان ملاقاتهای حضوری محدودی داشته باشند. در این مدت همسر جعفر ابراهیمی، همسر رضاشهبابی و حسن سعیدی توانستند با همسران زندانی خود ملاقات حضوری بگیرند.

به مادر واله زمانی نیز اجازه داده شد ملاقات کوتاهی با فرزند اش داشته باشد. در این ملاقات کوتاه واله را یکی از ماموران همراهی می کرده است.

طبق آخرین خبرها وضعیت رضا شهبابی با وجود شکستن اعتصاب غذای ۴۲ روزه اش مساعد نیست و بایستی در بیمارستانی در خارج از زندان بستری و معالجه بشود.

وضعیت علی رضا تقفی از اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر که از چند ماه پیش در زندان به سر میبرد نیز متأسفانه به دلیل بیماری و محرومیت از خدمات دارویی و پزشکی وخیم گزارش شده است و اهمیت دارد که فعالیت بیشتری برای رسیدگی به وضعیت وی در بیرون زندان به عمل آید.

همچنین گزارشاتی مبنی بر فشار به خانواده های سه معلم زندانی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه ادامه دارد و به خانواده اجازه ملاقات داده نشده. برای خانواده این سه فعال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان دشوار است از کردستان به تهران بیایند و بدون ملاقات با عزیزان در بندشان به شهرهای خود برگردند. به نظر می رسد ندادن ملاقات به خانواده های این سه فعال کورد به دلیل تحت فشار دادن آنان برای اعتراف به اعمال ناکرده جعلی توسط نیروهای امنیتی باشد. بهر حال گسترش اعتراضات و همراهی با خانواده های زندانیان در این شرایط دشوار از هر لحاظ اهمیت حیاتی دارد. زندانیان نباید در زندان احساس فراموش شدن پیدا کنند.

**پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد!**

**متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم**

**متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم**



**مبارزات بازنشستگان برای افزایش حقوق ادامه دارد**

**تصویر بالا از بازنشستگان شهر شوش است**

**زندانی کردن ۱۲ فعال صنفی بازنشستگان در خوزستان نتوانست به مبارزات بازنشستگان پایان دهد!**

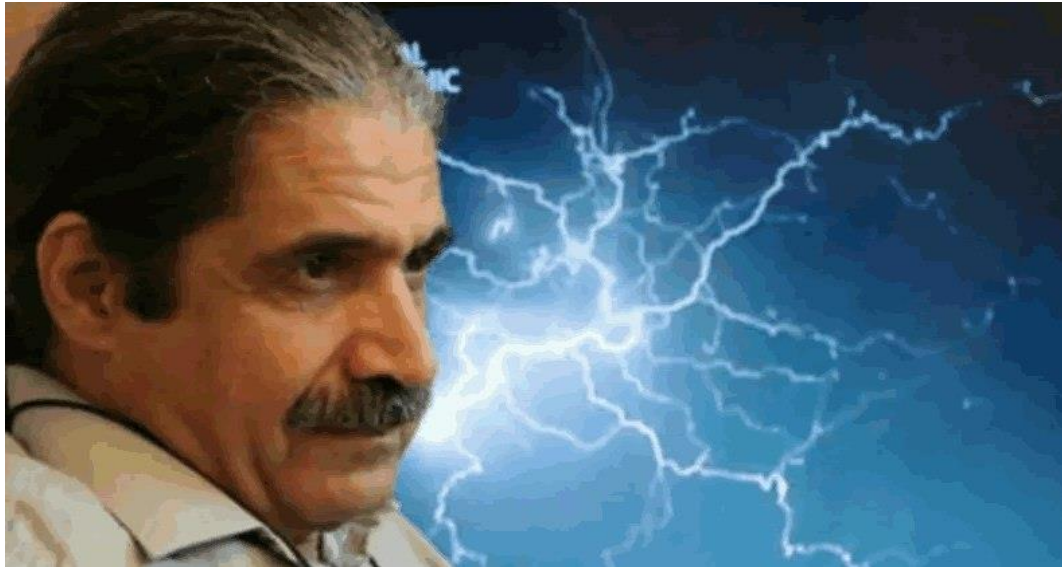
**مبارزه تا پیروزی ادامه می یابد!**



**کمک‌های شهردار و ... به آسیب‌دیدگان سیل**

**کاری از ما نیستانی**

**به یاری هم میهنان سیلزده بشتابیم!**



اخبار روز - سایت سیاسی خبری چپ

توقف مراحل درمان اسماعیل گرامی در پی ممانعت وی از زدن پابند و دستبند - اخبار روز -  
سایت سیاسی خبری چپ

اخبار روز - سایت سیاسی خبری چپ توقف مراحل درمان اسماعیل گرامی در پی ممانعت وی  
از زدن پابند و دستبند



من از زنانی حرف میزنم که نامشان معادل معجزه است

زنان\_معلم\_زندانی



ناهد\_ شیرپیشه

هاله\_ صفرزاده

ناهد\_ فتحعلیان

زینب\_ همرنگ

معصومه\_ عسکری

با متانوشما در برابر سناریوهای سانسور استاده اند

طوفان توئیتی #معلم زندانی کارگر زندانی آزاد باید گردد

سه شنبه ۱۱ مرداد ساعت ۱۷ تا ۱۹ به وقت ایران

\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

**sabosob@gmail.com**

\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>